

بچه‌های مسی

۱۸

ماهنامه کودک و نوجوان

ماه صفر (آبان ۱۳۹۶)





مقدمه

سلام بچه ها حالتون چطوره؟

بیش از یک ماه هست که از تعطیلات تابستون گذشته و مدرسه ها باز شدن.

مدرسه محل درس خوندن و یاد گرفتن چیزهای جدید اما مسجد علاوه بر اینکه محل عبادت هست، محل یادگیری چیزهای جدید هست. امامان ما همیشه مساجد رو مثل مدرسه می دونستن و اونجا به مردم درس میدادن:

وقتی نمازش رو می خوند
مدتی در آنجا می موند
به سوی او می آمدند
حلقه به دورش می زدند
کلاس می شد به سادگی
نه میزی داشت نه نیمکتی

امام خوب ما علی ع
از توی مسجد نمی رفت
از توی صف یکی یکی
با شور و شادی همگی
مسجد و محراب امام
کلاس درس ساده اش

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را به
سامانه پیامکی ما به شماره

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳

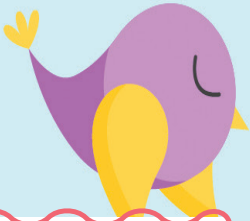
ارسال نمایید



سلام. ممنونم از مجله خوبتون.
لطفا مطالب بیشتری برای
نوجوانان بزارید.

ابوالفضل غلامی نژاد از
شهرستان قاین

باسلام مجلتون خیلی خوبه و
چیزهای آموزنده دارد. من خیلی
از مطالب خوبتون
استفاده می کنم.
فاطمه غلامیان محمودی از بجنورد



باسلام و تشکر فراوان. خیلی مجله
خوبی است. ما رو با چیزهای
زیادی آشنا کرد. من دفعه اولی
است که این مجله را گرفتم.
دانیال ملکی از مشهد



با سلام و خسته نباشید به دست اندرکاران
ماهنامه بچه های مسجد.. بابت چاپ
و ارسال به موقع ماهنامه خیلی خیلی
سپاسگزارم. در پناه حضرت امام رضا علیه السلام
موفق باشید.
میری. شهرستان رشت خوار



این مجله خیلی خوب
است و به ما چیزهای
خوبی یاد داده است.
ابوالفضل. محمدپور.
از روستای براکو

بچه های خوب مسجد امام
حسن العسکری ع
اردوی کلاسهای تابستونی
ارسالی:
حجت الاسلام سعید عاطفی



بچه های خوب کلاس
قرآن مسجد قبله
شهرستان کاشمر
ارسالی:
آقای سجاد بشارتی

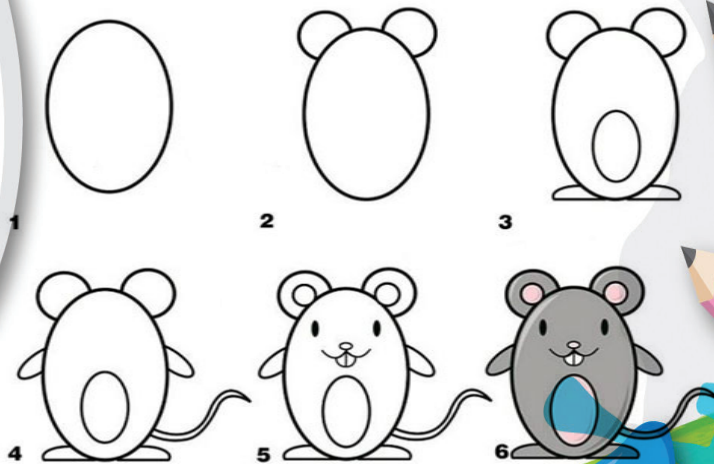


بچه های خوب حسینیه
انصار المهدی ع
ارسالی توسط:
آقای علی اسماعیلی



زنگ نقاشی

خیلی از شما بچه ها از آموزش نقاشی هایی که توی نشریه چاپ میشه استقبال کردین برای همین این دفعه هم برای شما آموزش نقاشی موش بازگوش رو انتخاب کردیم.



بازی مسیر یابی



کلمه دایناسور یک کلمه یونانی و به معنای
مارمولک وحشتناک است

دایناسورها انواع مختلف داشتند.
برخی گوشت خوار بودند ولی
بیشتر دایناسورها گیاه خوار بودند.



دانشمندان علت انقراض یکباره
دایناسورها را شهاب سنگ عظیم
یا فعالیت آتش فشانی بزرگ
می دانند.



جالب و خواندنی

برخی از آنها جانورانی بزرگ بودند که وزنشان ده ها برابر
وزن فیل بود و برخی دیگر از یک مرغ خانگی هم کوچک تر
بودند.

دایناسورها میلیون ها سال قبل در زمین
می زیستند. این خزندگان فلس دار،
شکل ها و اندازه های متفاوت داشتند.



دایناسورها در حدود ۶۵ میلیون
سال قبل نابود شدند.
اکثر دایناسورها تخم گذار بودند
و مانند دیگر حیوانات از تخم
خود مراقبت می کردند تا جوجه
دایناسور از آن متولد شود.



دسته گیاه خواران به خاطر در امان بودن در برابر دسته گوشت خواران
سلاح های خاصی داشتند. به عنوان مثال دم های آنها میخ دار و سلسله مانند
بوده است یا برخی از آنها در مقابل صورقشان سه شاخ داشتند تا بتوانند در مقابل
خطر از خود دفاع کنند.



یکی بود یکی نبود، توی یک روز از
روزهای سرد پائیز، زنبورهای عسل
مشغول کار بودند و به سختی تلاش
می کردند تا بتونند از شهد گل ها عسل
تولید کنند.

ملخ کوچولو که شاهد زحمات زیاد
زنبورها بود رو به کفش دوزک و
سنباب کرد و گفت: این عسل به چه
دردی میخوره؟ آیا واقعا ارزششو داره
که این زنبورها برای تولیدش اینهمه
زحمت بکشن؟

کفش دوزک و سنباب گفتند نمی دونیم.
بیائید از خود زنبورها پرسیم.
سنباب از یکی از زنبورهای کارگر
پرسید: چرا شما اینقدر دارین زحمت



میکشین؟؟ شما که به اندازه کافی عسل تولید کردین.

زنبور کارگر گفت: به زوی فصل زمستون میاد و دیگه گلی نیست که بتونیم ارزش عسل تولید کنیم. برای همین الان باید به سختی کار کنیم تا توی زمستون گرسنه نمونیم.

ملخ پرسید: عسل های شما تا چند ماه دیگه خراب نمیشن؟

زنبور گفت نه. عسل های ما هیچ وقت فاسد نمی شن. خدا، شفای بسیاری از بیماری ها را در عسل قرار داده.

برای همین هم انسان ها از عسل های ما استفاده میکنن تا علاوه بر اینکه از خوردنش لذت ببرن و تندرست بمونن، بیماری هاشون هم شفا پیدا کنه.

حشرات از شنیدن این مطلب متعجب شدند و پاسخ سوالتشونو پیدا کردن و فهمیدن عسل ماده بسیار باارزشی هست.

چرا شهید رجایی عزیز را؟



نیت پاک

اخلاص

حرکت به موقع

فکرت خراوند 



سر علی سید

۱۳۹۶/۷/۵

برداشتی از بیانات

رهبر انقلاب



مژده شهادت

قاسم بن الحسن (س) نوجوانی است که هنوز به حد بلوغ و تکلیف نرسیده بود. در شب عاشورا، وقتی که امام حسین فرمود: «همه کشته خواهند شد؛ شما بروید» و اصحاب قبول نکردند که بروند، این **نوجوان سیزده، چهارده ساله** عرض کرد «عمو جان! آیا من هم در میدان به شهادت خواهم رسید؟» به تعبیر ما، امام حسین خواست این نوجوان را آزمایش کند؛ فرمود: «عزیزم! کشته شدن در ذائقه تو چگونه است؟» گفت: «احلی من العسل»؛ **از عسل شیرین تر است.** ببینید، این، آن جهت گیری ارزشی در خاندان پیامبر است.

سرمنبر
۱۳۷۷/۴/۱۸
رهبر انقلاب



نوجوان

مَدَدِ اَمَرِ
يَا فَا









اگر شما جای سجاد بودید...

سجاد کوچولو بعد از مدرسه با چند نفر از دوستانش سوار اتوبوس شدند تا به خونه برگردند. وسط راه، اتوبوس توی ایستگاه ترمز کرد و پیرمردی سوار اتوبوس شد. اما تمام صندلی‌های اتوبوس پر بودن و حتی بعضی‌ها ایستاده بودند.

سجاد با خودش فکر کرد که الان باید چیکار کنه:

- ۱- آیا سر جایش بشینه و به پیرمرد توجهی نکنه؛
- ۲- یا از جایش بلند بشه و جای خودشو به اون پیرمرد بده.

شما بچه‌های خوب اگر جای سجاد بودید چیکار می‌کردید؟

شهر بی عیب

امام باقر (علیه السلام) فرمود: یکی از شاهان بنی اسرائیل اعلام کرد: شهری می سازم که هیچگونه عیبی نداشته باشد و هیچ کس نتواند در آن عیبی بیابد. برای همین فرمان داد معمارها و کارگرها مشغول شدند و آن شهر با آخرین سیستم وبا تمام امکانات ساخته شد، پس از آنکه ساختن شهر به پایان رسید، مردم از آن شهر دیدن کردند و همه آن ها به اتفاق نظر گفتند شهری بی نظیر و بی عیب است.

در این میان مردی نزد شاه آمد و گفت: من عیب این شهر را به تومی گویم.
شاه گفت: بگو

آن مرد گفت: این شهر دو عیب دارد:

۱- صاحبش می میرد.

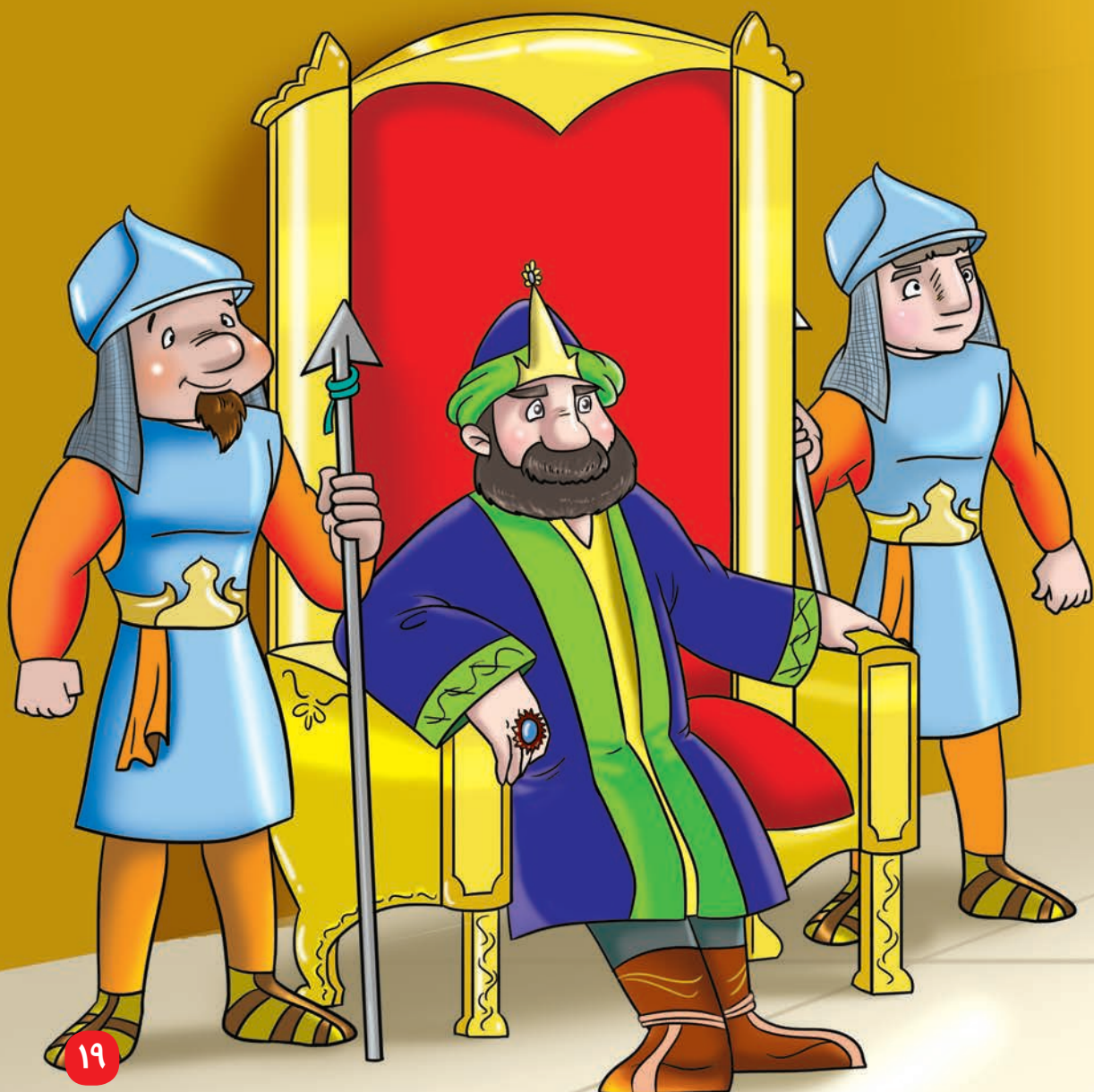
۲- این شهر سرانجام بعد از تو خراب می شود.

شاه فکری کرد و گفت: چه عیبی بالاتر از این دو عیب، سپس به آن مرد گفت:



به نظرتوچه کنم؟ آن مرد گفت: شهری بساز که باقی بماند و ویران نشود، و تو
نیز در آن همیشه جوان باشی، و پیری به سراغت نیاید و آن شهر بهشت است.
شاه جریان را به همسرش گفت، همسرش فکری کرد و گفت: در میان همه
افراد کشور، تنها همین مرد، راست گفته است.

منبع: بحار، ج ۱۴، ص ۴۷۸



پاسخ کریمانه



روزی مردی مسیحی قصد داشت تا
با مسخره کردن امام باقر (ع) ایشان را
خشمگین کند و به این وسیله برای خود و برخی
از رهگذران نادان، اسباب خنده و شادی

فراهم نماید. برای اجرای نقشه اش،

سر راه امام (ع) قرار گرفت. آن مرد

وقتی امام (ع) به نزدیکی رسید، در

حالی که نیش خندی به لب داشت،

با صدای بلند گفت: سؤالی دارم.

امام (ع) آماده شنیدن سؤال شد.

مرد با بی ادبی نام امام محمد باقر (ع) را با

لحن زشتی ادا کرد و خندید. اما امام باقر (ع)

بدون این که ذره‌ای عصبانی شود، به آرامی

گفت: نه، من باقر هستم.

مرد مسیحی که به هدف خود نرسیده بود،

سعی کرد به امام (ع) طعنه بزند. بنابراین از آن حضرت پرسید: آیا تو فرزند

یک آشپز هستی؟ امام باقر (ع) با این که به قصد زشت او پی برده بود، با

حوصله این طور پاسخ گفت: آشپزی حرفه مادرم بود {داشتن حرفه آشپزی که

عیب نیست}.

مرد نادان که دیگر نمی دانست چه بگوید، با بی شرمی حرف زشت دیگری

درباره یکی از بستگان امام (ع) به زبان آورد اما امام (ع) با کمال ادب فرمود:

اگر تو راست می گویی، خداوند او را پیامرزد و اگر تو دروغ می گویی، خداوند

تو را پیامرزد!

از پاسخ مؤدبانه امام (ع)، مرد مسیحی مات و مبهوت شد. انگار دنیا را بر

سرش خراب کردند. از رفتار خود بسیار شرمنده شد و با خود اندیشید: این

شخص، بنده برگزیده خداست و گرنه هر انسان معمولی با سخنان توهین آمیز

من، از کوره در می رفت و عصبانی می شد. بی تردید، دین اسلام، دین حق و

حقیقت است که چنین انسان بزرگی، امام و پیشوای آن است. او به دلیل اخلاق

و رفتار بزرگوارانه امام باقر (ع) همان جا به دین اسلام گروید و مسلمان شد.

منبع: آفتاب دانش

سنجش هوش

اگر می‌خواهی بدونی چقدر باهوشی به سوالات زیر پاسخ بده و جواب‌هاشو برای ما به شماره پیامکی ۳۰۰۸۴۱۲..... ارسال کن. به چند نفر از بچه‌ها که جواب‌های درست رو ارسال کردند به قید قرعه جوایزی تعلق خواهد گرفت.

سوال اول: مردی خانه‌ای مکعب شکل دارد که تمام پنجره‌هایش رو به جنوب باز می‌شود. در زمستان یک خرس گرسنه به خانه‌اش حمله می‌کند، خرس چه رنگی بوده است؟

سوال دوم: هفده تا سیب روی میز است، اگر علی دوتا سیب بردارد، او چندتا سیب دارد؟

سوال سوم: سینا برای روشن کردن آتش، لوازم زیر را دارد: ۱۰ عدد شمع، چهارده تکه چوب، دو بسته کبریت، یک چراغ الکلیسینا اول از همه کدام یک از لوازم بالا را روشن می‌کند؟

سوال چهارم: کشاورزی ۱۰۱ راس گوسفند داشت.

همه به جز ۹ راس از آنها مردند.

او حالا چند راس گوسفند دارد؟

منبع: کودک سیٹی



خوابالو نباش

اما همیشه دیر به مدرسه می‌رسید
چون صبح‌ها نمیتونست راحت از
رخت‌خواب جدا بشه.

بچه‌های عزیز. شما هم مثل احسان
صبح‌ها به سختی بیدار میشید؟
لابد دوست دارید توی رخت‌خواب
بمونید و از جاتون بلند نشید!
اگر شما هم اینطوری هستید این نشون
میده که شب‌ها دیر می‌خوابید.

شما باید بدونید که بدن ما نیاز داره که
هر شب حدود هشت ساعت استراحت
کنه. پس اگر دیر به رخت‌خواب بریم،
صبح‌ها هم به سختی از رخت‌خواب جدا
خواهیم شد.

پس از امشب تلاش کنید زود بخوابید
تا صبح‌ها خوابالو نباشید.

احسان همیشه دیر به مدرسه می‌رسید
چون بیدار شدن صبح‌ها برای احسان
خیلی سخت بود. آخه احسان همیشه
حس می‌کرد خستست و از خوابیدن
سیر نشده و باید چند ساعت دیگه
بخوابه.

احسان با اصرارهای مامان در حالی که
خوابالو بود لباس می‌پوشید و صبحانه‌ای
می‌خورد و به مدرسه می‌رفت.



دریا کجاست

رو ببینم. شماها دوست ندارید؟
بقیه دوستانش گفتند: چرا! ما هم خیلی دوست داریم.

خلاصه اینکه همه با هم تصمیم گرفتند تا
برای یافتن دریا شنا کنند و از هر کس که
پیدا کردند سراغ دریا رو بگیرند.

اونها چندین روز شنا کردند اما دریا رو
پیدا نکردند و کسی نمیدونست دریا
کجاست.

ناگهان فکری به ذهن خرچنگ رسید.
خرچنگ گفت: من ماهی پیر و دانایی

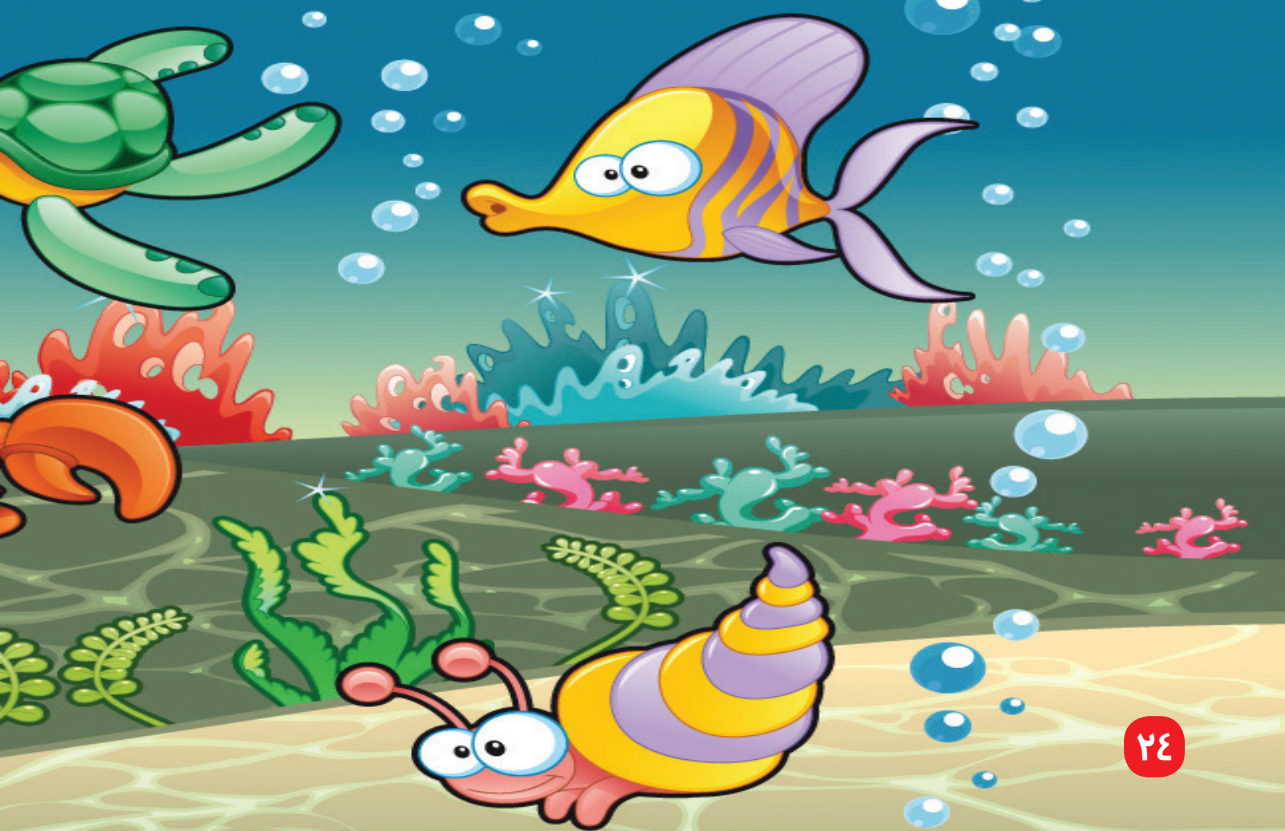
یکی بود یکی نبود، زیر گنبد کبود، دریای
زیبایی بود که حیوانات زیادی توش
زندگی میکردند.

روزی از روزها، ماهی کوچولویی به بقیه
دوستانش گفت: بچه ها، دریا کجاست؟
من دوس دارم دریا رو ببینم.

لاکپشت گفت: من شنیدم دریا خیلی
بزرگ و زیباست.

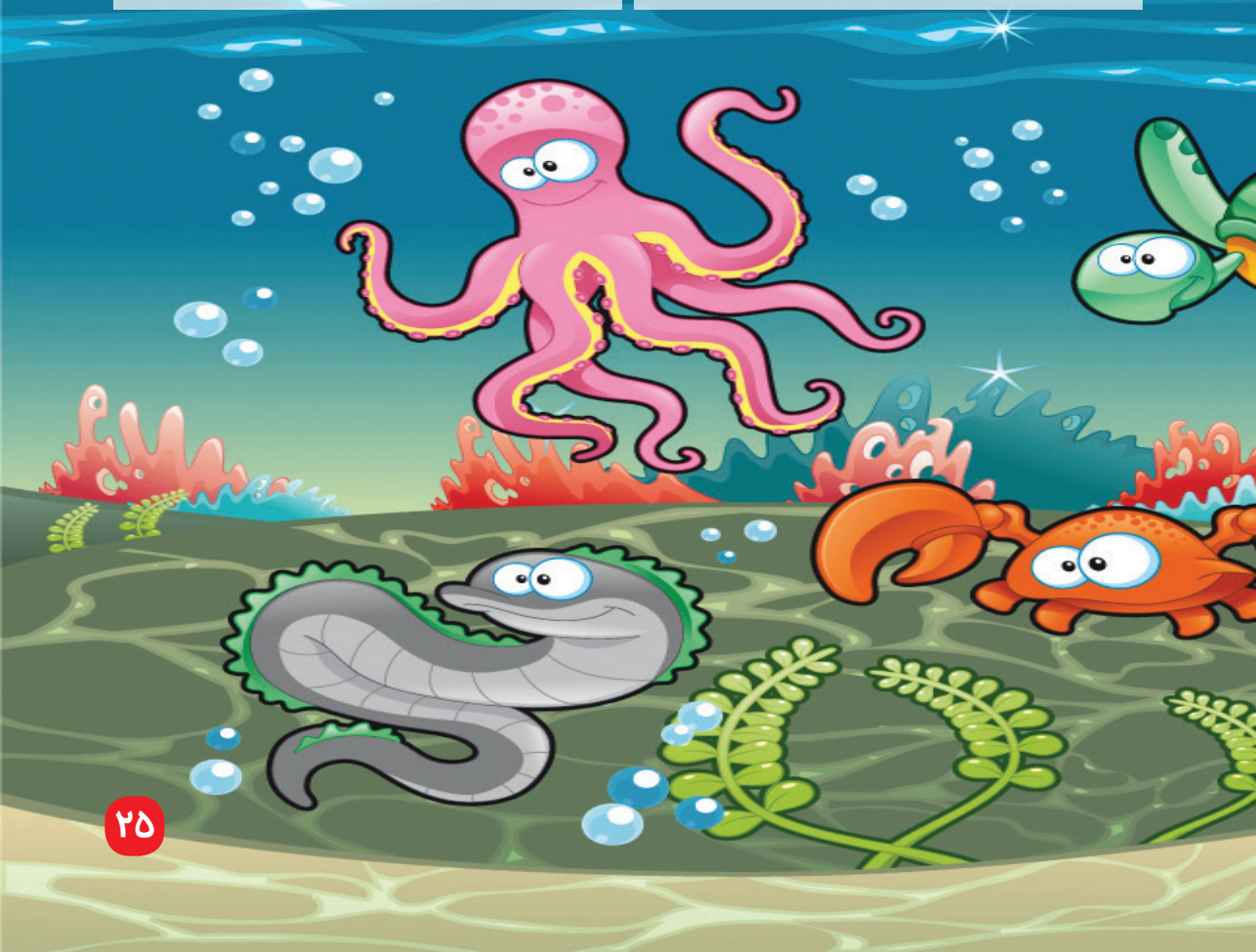
هشت پا گفت: اما من شنیدم فاصله دریا
از ما خیلی زیاده.

ماهی گفت: اما من خیلی دوست دارم دریا



شمارو در آغوش گرفته.
شماها الان درون دریا هستید و اگر از
دریا جدا بشید، دیگه نمیتونید نفس
بکشید و می میرید. همه این زیبایی هایی
که اطرافتون می بینید از دریاست.
ماهی ها از شنیدن این حرف ها خیلی
خوشحال شدند و فهمیدند این همه
سال در دریا زندگی می کردند، اما او را
نمی شناختند.

میشناسم که علمش از همه حیوانات دریا
بیشتره. باید بریم از او درباره دریا سوال
کنیم. او حتما میدونه دریا کجاست.
خلاصه اینکه همه با هم به سراغ ماهی
دانا رفتند و به او گفتند: ای ماهی دانا، دریا
کجاست؟ ما خیلی دوست داریم دریا رو
بینیم.
ماهی دانا خندید و گفت: شماها درون
دریا هستید و دریا مثل مادری هست که





خانه خدایی

مسجد یک خانه ی پاک
مسجد جای نماز است
جای رکوع و سجده
جای راز و نیاز است
مسجد اصل و اساسش
تقوا هست و طهارت
این خانه ی خدایی
جای زهد و عبادت
یک مومن مسلمان
در مسجد هم تمیز است
این بنده ی پاکیزه
پیش خدا عزیز است

اسامی برندگان جدول شماره ۱۷

در صورتی که نام شما جزو
برندگان مسابقه جدول می
باشد، از امام جماعت مسجد خود
بخواهید
تا جایزه شما را از امور مساجد
دریافت کند.

- ۱- محمدحسین طوسی، مشهد مقدس، مسجد امام رضا (ع)
- ۲- علی اصغر ابدی، شهر کاشمر، روستای قوژد، مسجد النبی (ص)
- ۳- محمد سامان پاک طینت، مشهد مقدس، مسجد موسی بن جعفر (ع)
- ۴- حسن عباسی، شهر تربت حیدریه، روستای شعبه، مسجد صاحب الزمان (عج)
- ۵- زینب احمدی مقدم، مشهد مقدس، مسجد امام رضا (ع)
- ۶- محمد صالح جلالی نسب، سبزوار، مسجد علی بن ابیطالب (ع)
- ۷- نجمه عبادی، شهرستان گنایاد، روستای روشاوند مسجد صاحب زمان (عج)
- ۸- مهدی کامل، شهر فریمان، سفید سنگ، مسجد امام جعفر صادق (ع)
- ۹- محمد نیکبخت، مشهد مقدس، مسجد جامع فاطمه الزهرا (ع)
- ۱۰- علی زاهد، مشهد مقدس، مسجد منتظر المهدی (عج)



← سؤالات جدول

دوست عزیز، رمز جدول را به همراه نام
و نام خانوادگی، شهر و نام مسجدتان برای
ماه شماره ۳۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳ پیامک
کنید. به تعدادی از پاسخ های صحیح به
قید قرعه جوایزی اهدا خواهد شد.

- ۱- شهری که عیبی در آن نباشد.
- ۲- مایه حیات است.
- ۳- چرا شهید حججی عزیز شد؟
- ۴- ماده شفا بخش.
- ۵- محل تعلیم است اما مدرسه نیست.
- ۶- اساس مسجد و طهارت است.



نشریه **بچه های مسجد**، ماهنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان عزیز است
 که توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان در بین
 بچه‌های مسجدی توزیع می‌گردد.
 شما خواننده گرامی می‌توانید پیشنهادات و انتقادات خویش را
 به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳ ارسال نمائید.

